

دیداری ویژه با امام خامنه‌ای در اوج فتنه 88

این افراد را دیگران اداره می‌کنند اشاره: سی‌ام تیرماه ۱۳۸۸ کشور همچنان از التهابات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری رنج می‌برد. برای اولین بار؛ منتشر شد...



این افراد را دیگران اداره می‌کنند اشاره: سی‌ام تیرماه ۱۳۸۸ کشور همچنان از التهابات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری رنج می‌برد. برای اولین بار؛ منتشر شد
 رسانه‌های بیگانه و بلندگوهای داخلی شان همچنان مشغول تردیدافکنی در اعتماد مردم و مشروعیت نظام هستند. به گزارش khamenei.ir

در این شرایط، جمعی از فضلاء حوزه علمیه دیداری با رهبر انقلاب دارند تا دیدگاه‌های خود در مورد انتخابات و مسائل کشور را بی‌پرده با ایشان در میان بگذارند. برای آنکه سخنان حضار صریح مطرح شود، جلسه از حضور دیگران خلوت شده بود. مشروح دیدار نیز در آن ایام منتشر نگردید و حتی خبر رسمی نیز از آن به بیرون درز نکرد. نظر به اهمیت این موضوع، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، در کتابی تحلیلی-روایی، درباره‌ی فتنه ۸۸ که حاوی بخش‌هایی از بیانات و مواضع منتشر نشده‌ی رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی فتنه است و به زودی روانه بازار می‌شود، با یکی از حاضران در این جلسه، گفت‌وگویی انجام داده است که بخش‌هایی از آن همزمان با سالگرد حماسه‌ی نهم‌دی ماه تقدیم مخاطبین محترم شده است.

* پرسش: شما در پایان تیرماه سال ۱۳۸۸ به همراه تعدادی از فضلاء حوزه علمیه قم، با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار داشتید به عنوان مقدمه گفت‌وگو توضیح دهید چرا این دیدار انجام شد؟

رهبر معظم انقلاب از طرق مختلف با حوزه در ارتباط دو طرفه هست‌ند. گاه این ارتباط‌ها با واسطه و گاه بی‌واسطه است. یکی از روحانیونی که در این زمینه بسیار فعال هستند جناب آقای مروی {معاون امور حوزوی دفتر رهبری} است. ایشان در طول سال و به‌طور مستمر با مراجع، علما و فضلاء حوزه دیدار و جلسه دارند و ضمن رصد تحولات در موضوعات مبتلا به جامعه و نظام و حوزه با آنها رایزنی و مشورت می‌کنند و مسائل را به رهبر معظم انقلاب و یا دفتر ایشان منتقل می‌کنند.

جمعی که در آن تاریخ خدمت رهبر انقلاب رسیدند، بخشی از فضلاء حوزه بودند که در ایام انتخابات ۸۸ و بعد از حوادث پیرامون آن، در درون حوزه به‌صورتی احساس مسئولیت می‌کردند و به دنبال نوعی راهکار برای حل مسائل بودند، بعضاً دیدارهایی را با برخی از مراجع ترتیب داده بودند؛ آن روزها حوزه بسیار محل آمد و شد گروه‌های مختلف بود و خیلی از مسائل داشت رقم می‌خورد. هر کس احساس می‌کرد که نقشی را باید ایفا کند و نمی‌شد ساکت و منتظر ماند. برخی از این دوستان از طریق نوشتن نامه خطاب به آقا و برخی از طریق آقای مروی و حتی مواردی از طریق دفتر، نظرات خود را در مورد مسائل پیش‌آمده مطرح کرده بودند. در این گفت‌وگوها و در آن نامه‌ها بعضاً تقاضای دیداری خدمت ایشان هم مطرح شده بود و این دیدار در پایان تیرماه سال ۸۸ انجام شد.

* پرسش: فضای جلسه چگونه بود؟

در آن نشست، فضا کاملاً یک فضای طلبگی بود؛ یعنی بحث مثل محیط‌هایی که طلبه‌ها سر درس و بحث گفت‌وگو می‌کنند با حفظ احترام و شئونی که وجود داشت. اصولاً جلسه، جلسه رسمی‌ای نبود. دوستان بعضاً هرچه به ذهنشان می‌رسید بیان می‌کردند. فضای گفت‌وگو بود؛ یعنی هیچ کدام از دوستان احساس شان این نبود که دارند یک کار رسمی می‌کنند؛ آمده بودند تا تحلیل خودشان را عرضه بکنند و بشنوند و بگویند؛ یعنی باز تحلیلشان نسبت به آنچه که از حضرت آقا می‌شنوند را هم بگویند.

* پرسش: برگزاری جلسه به این شیوه، نظر فضلا بود؟

دو طرفه بود؛ یعنی هرچند این شیوه مورد نظر ما بود اما عامل تحقق گفت‌وگو، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودند. استقبال ایشان از این گفت‌وگو هم بسیار مناسب و خوب بود؛ یعنی دامن زد به اینکه بحث به همین ترتیب تا آخر ادامه پیدا بکند.

ایشان دو نکته را بیان کردند که جلسه را از یک جلسه رسمی خارج و به جلسه استاد و شاگردی تبدیل کرد: نکته اول ایشان این بود که ما همیشه در حوزه پُر شما را می‌دهیم و به تلاش‌های شما در جهت تعالی روزافزون نقش

و جایگاه و کارکرد حوزه امیدواریم و هر نوع حمایتی از آن می کنیم. بر همین اساس نکته دومی که نقل به مضمون بر آن تأکید فرمودند این بود که هرچه می خواهد دل تنگتان بگوید. جلسه در سه مقطع و سه بخش تقسیم می شد: بخش اول، تحلیل ها و پرسش هایی بود که دوستان مطرح کردند، بخش دوم، پاسخی بود که آقا نسبت به مباحث مطروحه دادند و علاوه بر آن به منشاء مسائل پیش آمده پرداختند؛ و در بخش سوم هر کدام از دوستان دو مرتبه بر اساس پاسخی که ایشان دادند، اظهار نظر کردند.

* پرسش: محورهای یا مسائلی که مدنظر دوستان بود - اعم از اینکه تحلیل داشتند، یا شبهه و ابهام و پرسش - چه بود؟

مطلب نخست این بود که آیا ایشان در این انتخاباتی که واقع شده به دنبال یک جراحی و حذف جمعی هستند و یا اینکه یک رویکرد دیگری وجود دارد؟

البته نظر دوستان این بود که اگر این طور چیزی هست گفت وگو دارند و قاعدتاً آنچنان که از رهبری حضرت امام (رضوان الله تعالی) سابقه ای وجود دارد و از پیشینه ای که در فعالیت های خود حضرت آقا بویژه در دوران اصلاحات هست، نه این چنین بوده و نه چنین توقعی می رود؛ و لذا واقعاً پرسش و ابهام بود. ابهام نه برای خود عزیزانی که آنجا بودند. این ابهامی بود که بعضاً در سطح جامعه هم مطرح می شد و سؤالی بود که نیاز داشت پاسخش از خود رهبر معظم انقلاب شنیده بشود و ببینیم که چه رویکردی وجود دارد.

محور دوم این بود که به نظر دوستان برخی از مواضع و رفتارهای صورت گرفته در دولت آقای احمدی نژاد یک نوع اختلال در مناسبات بین رهبری با جمعی از مراجع و بزرگان حوزه به وجود آورده است.

مسئله دیگری که اشاره شد، حضور یک جریان بی منطق است که خیلی مواضع تند می گیرد و برخوردهای خشنی انجام می دهد که عملاً به سوی حذف برخی ها پیش می روند؛ یعنی توقع دارند که یک برخورد حذفی و جراحی ای نسبت به همه افرادی باشد که به نحوی در انتخابات ۸۸ به کاندیداهای غیرمنتخب رأی دادند یا در یک مسیر متفاوتی بودند و این برخوردهای نادرست گاه نسبت به شخصیت های حوزوی دارد انجام می شود.

* پرسش: درباره برخی رخدادهای نادرست و تشنجات بوجود آمده پس از انتخابات مانند مجتمع سبحان و کهریزک و درگیری های خیابانی هم گفت وگویی صورت گرفت؟

بله. البته پیامدهای اجتماعی این حوادث غیرقابل دفاع و چگونگی مدیریت مسائل مرتبط با انتخابات مدنظر دوستان بود. چون آنچه که اثر اجتماعی دارد متن خود واقعه به تنهایی نیست. این فضائی است که ایجاد می شود و برداشتی است که جامعه از این مسئله می کند؛ از اصل تقلب که در جامعه داشت القاء می شد، تا این حوادثی که بعد اتفاق افتاده بود و عملکرد صداوسیما نسبت به این امر که احیاناً خوب مدیریت نمی شد و یا عملکرد نیروی انتظامی که باز ذهنیت جامعه را نسبت به حادثه ای که داشت اتفاق می افتاد بیشتر مشوش می کرد.

* پرسش: به ادعای تقلب اشاره کردید که بنیان شروع فتنه پس از انتخابات بر آن نهاده شد. چه مباحثی از سوی فضلا درباره ادعای تقلب مطرح شد؟

تقریباً این در ذهن دوستان کاملاً مسلم بود که در انتخابات، تقلبی انجام نشده. به همین دلیل، عمدتاً مسائل پیرامون انتخابات در جلسه مطرح شد و اتفاقاً این آقا بودند که بعد بحث را متوجه اصل مسئله انتخابات کردند و راجع به آن هم صحبت هایی مطرح کردند؛ یعنی ایشان در پاسخگویی ضمن اینکه نسبت به آن چند محور پاسخ گفتند، تحلیل خودشان را نسبت به مسائل اصلی و فرعی انتخابات بیان کردند.

* پرسش: یعنی شما و دیگر فضلاء قم چون ادعای تقلب را نادرست می دانستید در این جلسه به آن پرداختید.

بله.

* پرسش: بازگردیم به جلسه با رهبر معظم انقلاب. پاسخ های ایشان به مسائل مطرح شده چه بود؟ در مورد رابطه با مراجع، حضرت آقا به انواع ارتباطاتی که با مراجع دارند و آمد و شدهائی که وجود دارد و حتی روابط خصوصی و گرمی که با آنها دارند اشاره کردند و گفتند من نمی پذیرم که در این ارتباط مشکلی به وجود آمده باشد.

* پرسش: درباره ادعای جراحی بخشی از نیروهای سیاسی و در نتیجه محدود شدن چتر رهبری چه نکاتی بیان کردند؟

ایشان نسبت به این مسئله خیلی صریح و شفاف نظرات شان را بیان کردند، البته توقع دوستان هم همین بود. ایشان نسبت به این مباحث وارد گفت و گو شدند و توضیح دادند که رویکرد و عملکرد شان در گذشته چه طور بوده و الان هم چتر رهبری برای همه نیروهای انقلاب فراگیر است. البته اشاره کردند که در خصوص انقلاب و نظام با هیچ کس رودر بایستی ندارند و اگر عده ای در برابر نظام اسلامی و مصالح مردم بایستند آنها هستند که خواسته یا ناخواسته خودشان را از زیر چتر رهبری خارج کرده اند.

* پرسش: چه مصادیقی از گذشته بیان کردند؟

اشاره کردند بعد از رحلت امام و در آغاز دوران رهبری شان، یکی از پرچمداران یکی از دو جریان سیاسی فعال در کشور (به تعبیر آن روزها جناح راست) به نزد ایشان می روند و ضمن معرفی افرادی برای مسئولیت های مختلف در دفتر رهبری، اعلام آمادگی می کنند که خودشان هم به عنوان مسئول دفتر رهبری فعال شوند. آقا ادامه دادند که من موافقت نکردم. منظورشان این بود که می خواستند دفتر رهبری تعلق به یک جناح خاصی نداشته باشد و اشاره کردند به افرادی که برای اداره دفتر انتخاب کرده بودند. گفتند: اینها در جناح بندی های موجود، علقه خاصی نداشته و یا جامعه اینها را منتسب به یک جناح خاص نمی شناخت.

باز اشاره کردند به کار دیگری که انجام شد و فرمودند کسانی را که به عنوان جناح و جریان چپ شناخته می شدند - برای مثال از آقای موسوی خوئینی ها نام بردند - به عنوان مشاور انتخاب شان کردند و امکانات در اختیارشان گذاشتند. حتی وقتی آقای خوئینی ها نظر رهبری درباره برخی افرادی که قرار بود با وی کار کنند را می پرسند، آقا به ایشان گفتند: هر کسی را شما خواستید بیاورید. البته اضافه کردند که وی چند سالی هم آمد و بعد نیامد.

* پرسش: با توضیحاتی که تا اینجا دادید مشخص شد شما بر مسائل قبل و بعد از انتخابات متمرکز شده بودید.

بله. اما رهبر انقلاب اشاره کردند که مسئله اساسی در انتخابات اتهام تقلب و کشاندن مردم به خیابان ها برای مقابله با نظام به جای پیگیری ادعای خود از طریق قانون و مجاری قانونی بود. در واقع ایشان خواستند بگویند که اگر شما می خواهید آن چیزی را که دارد رخ می دهد، تحلیل کنید، باید ببینید که چرا این حادثه واقع شد؛ یعنی این هم باید در مرکز تحلیل شما باشد. شما فقط در این مسئله که نظر بخشی از افکار عمومی جامعه چیست متوقف نشوید؛ زیرا نزاع بر سر مسئله مهم تری است.

آقا در تبیین نظرشان سیر مسائل و برخی اقدامات انجام شده از ناحیه ایشان و دفترشان را بازگو کردند که برخی از آنها را به طور خلاصه توضیح خواهم داد.

به گفته ایشان مشکل از آنجا آغاز شد که آقای موسوی حتی قبل از برگزاری انتخابات خود را پیروز انتخابات معرفی کردند. در روز انتخابات هم قبل از اینکه انتخابات تمام بشود، آقای موسوی اعلان کرد که پیروز قطعی انتخابات است. فردای آن روز هم دیدیم که ادعا کردند تقلب شده و باید انتخابات ابطال بشود.

* پرسش: چرا ابطال؟

پرسش مهم آقا هم این بود که اگر این افراد معتقد بودند آراء جابجا و در انتخابات تقلب شده، ولی چرا شعار ابطال انتخابات را دادند؟ چرا دنبال بازشماری آراء نیامدند؟ یعنی از تقلب نرفتند به سراغ اینکه باید صندوق ها بازبینی بشود، بلکه رفتند سراغ اینکه آراء ابطال بشود و وقتی دیدند رهبری زیر بار حرف زور ابطال نمی رود فراندوم را مطرح کردند.

* پرسش: گفته می شود ایشان برای بازگرداندن آقای موسوی به تمکین در برابر قانون و نیافتادن در دام مقابله با نظام اقداماتی را انجام داده اند. آیا اشاره ای به آنها داشتند؟

نقل کردند فردای روز انتخابات که آقای موسوی اطلاعیه ای مبنی بر تقلب را داده بود، ما پیغامی را برای وی فرستادیم با این مضمون که شما چرا تقلب را مطرح کردید؟ چکار می خواهید بکنید؟ اگر معتقد به تقلب هستید راهکار قانونی دارد و آن بازشماری است و این راه هموار بود.

* پرسش: از قول آقای موسوی در محافل سیاسی ادعا شده که من مسئله ابطال انتخابات را در جلسه ای با حضور آقای هاشمی و آقای خاتمی و... مطرح کردم و آنها هم با ابطال موافقت کردند.

این نقل قول ظاهراً به گوش رهبری هم رسیده و ایشان هم به آن واکنش نشان داده اند. خودشان در این جلسه نقل کردند من این ادعا را دنبال کردم. از طریق واسطه ای از آقای هاشمی سوال کردم آیا چنین چیزی صحت دارد؟ آقای هاشمی گفته بود آقای موسوی در جلسه مورد اشاره بحث ابطال را مطرح کرد ولی من با آن مخالفت کردم.

* پرسش: درباره آقای

خاتمی چه؟

فرمودند از آقای خاتمی هم توسط فردی پرسیده شد ولی او هم پاسخ داده بود که با نظر آقای موسوی مخالفت کرده

است.

* دیدار روز یکشنبه ۲۴ خرداد آقای موسوی

با رهبر انقلاب

آقا گفتند: در این دیدار آقای موسوی بحث ثقل و ابطال را مطرح کرد و من تأکید کردم: آقای موسوی شما عقلت را دست بچه ها نده. ابطال یعنی چه؟ چرا انتخابات با این عظمت را باید ابطال کرد؟ ادعاهایمان را از مسیر قانونی دنبال کنید و اگر مشخص شد ثقل یا تضییع حقی شده، من از استیفای حق شما دفاع خواهم کرد اما به او تأکید کردم طرح ابطال انتخابات بی معناست و من زیر بار آن نمی روم.

* پرسش: آقای موسوی قبول کرده بود از طریق قانونی ادعایش را پیگیری کند؟

ظاهراً بله. آقای موسوی پذیرفت که از مسیر قانونی ادعایش را پیگیری کند اما بعد که رفتند، دومرتبه مردم را برای فردا (دوشنبه) به تظاهرات فرا خواندند و به این که مسائل از طریق قانونی پیش برود تمکین نکردند. همچنین آقا در خصوص دعوت مردم به شورش، به بخش دیگری از مصاحبه روز قبل از انتخابات آقای موسوی با مجله امریکائی تایم اشاره کردند: وقتی خبرنگار از وی می پرسد با اختیارات کمی که رئیس جمهور در برابر رهبری دارد چکار می خواهید بکنید؟ آقای موسوی می گوید: حضور مردم در خیابان مسائل را حل می کند.

* پرسش: حضرت آیت الله خامنه ای بارها درباره دلایل ناموجه و غیرقانونی بودن ابطال انتخابات در مجامع عمومی توضیح داده اند. آیا در این خصوص مطلبی برای

بازگونی دارید؟

از جمله مواردی که ایشان بیان کردند این بود که ما در دوره های قبل هم در برابر ابطال انتخابات ایستادیم و این کار را نکردیم. اشاره کردند به انتخابات مجلس ششم در تهران. در آن مورد، شورای نگهبان حکم به ابطال داد و به لحاظ قانونی هم در حیطه مسئولیت و شأن شورای نگهبان بود که این کار را بکند. اما رهبر انقلاب تصریح کردند که جلوی این کار ایستادم و اجازه ندادم انتخابات مجلس ششم در تهران باطل شود، به رغم اینکه وجود تخلف محرز بود. در مورد انتخابات دوم خرداد هم رهبری در جلسه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ با نمایندگان ستادهای کاندیداها اشاره کرده بودند که فردای دوم خرداد و انتخاب آقای خاتمی یکی از مسئولان دولتی پیش من آمد و گفت که انتخابات باید ابطال شود و من آنچنان با او برخورد کردم که انتظار نداشت.

* پرسش: یعنی رهبری با ابطال مخالفت کرده اند، صرف نظر از نتیجه...؟

بله، صرف نظر از نتیجه ای که وجود دارد؛ چون در این دو انتخابات اصلاح طلبان رأی آورده بودند. ایشان تأکید کردند نه تنها زیر بار ابطال انتخابات نرفته و نخواهند رفت حتی تاخیر در برگزاری انتخابات مجلس هفتم را هم که عده ای دنبال آن بودند نپذیرفتند؛ زیرا یک آسیب جدی به کشور و ایجاد بحران برای مردم و نظام است. همان طور که سیره امام هم نسبت به این مسئله این گونه بوده است. یعنی اصل انتخابات آنچنان اصل مهمی است که حریم آن نباید به این سرعت و با بهانه های واهی و غیرقانونی و یا با اردوکنشی خیابانی مخدوش شود.

ایشان گفتند: اگر انتخابات باطل شود، باید ده بیست روز دیگر مجدداً برگزار شود. چه کسی باید انتخابات را برگزار کند؟ وزارت کشور و شورای نگهبان. خب آقایان می گویند به این دو تا که اعتماد نداریم، پس باید عوض شوند. وزیر کشور به مجلس معرفی شود، رأی بیاورد یا نیاورد. و سپس رئیس ستاد انتخابات و دیگر عناصر اصلی هم باید عوض شوند. از طرف دیگر اعضای شورای نگهبان هم باید عوض شوند. یعنی پنج شش ماه کشور تعطیل و دچار بحران شود.

به بیان رهبری، مسئله اصلی این بود که این افراد نمی خواستند تسلیم قانون شوند و فکر می کردند که می توانند با کشاندن مردم به خیابان ها، نظام را تسلیم خواست غیرقانونی و غیرمنطقی و بحران آفرین خود کنند. والا اگر اینها در چهارچوب قانون عمل می کردند، راه باز بود. همچنان که به گفته آقا: من به خودشان و نمایندگان شان و افراد بسیاری که خیرخواهانه برای حل و فصل مسائل، در ارتباط با این آقایان بودند گفتم درباره هر صندوقی که شکایت دارند بازشماری انجام شود. حتی موافقت کردم به شکل تصادفی تعدادی از همه صندوق ها بازشماری شود و اگر تغییری ایجاد شد، تعداد بیشتری از صندوق ها را ادامه دهند و برای این کار از شورای نگهبان خواستم زمان را برای بررسی زیاد کنند. البته آنها تن به بازشماری صندوق ها ندادند ولی این کار هم انجام شد و نتیجه بازشماری با آنچه اعلام شده بود، مغایرتی نداشت.

به اعتقاد آقا معلوم بود دیگرانی هستند که پخت و پز می کنند و این افراد را اداره می کنند.

* پرسش: این جناح در آن شرایط بیشترین حملات را به آقای هاشمی رفسنجانی و دولت وی داشتند و از هیچ مخالفتی خودداری نمی کردند. در حالی که رهبر انقلاب از دولت آقای هاشمی حمایت می کردند؛ یعنی به رغم اینکه مواضع آنها را قبول نداشتند اما از حضور و فعالیت شان پشتیبانی می کردند.

اتفاقاً موارد مشخصی را هم در این خصوص بیان کردند از جمله اینکه در اوایل دوران رهبری شان دو روزنامه سلام و جهان اسلام متعلق به جریان به اصطلاح چپ و منتقد و معترض سیاست ها و عملکرد دولت آقای هاشمی بودند و برخی ها بدنیاال آن بودند تا با توصیه رهبری به مسئولان قضائی، این دو روزنامه تعطیل شود که ایشان با آن مخالفت کرده اند. به مورد دیگری هم اشاره کردند که مربوط به دوران وزارت ارشاد آقای خاتمی بود.

* پرسش: در دولت اول آقای هاشمی؟

همان موقعی که گرایش های اقتصادی باز آقای هاشمی مشخص شده بود. رهبر انقلاب برای ما نقل کردند که روزی به آقای خاتمی گفته اند: حضور جریان سیاسی شما را لازم می دانم. من حضور دو جریان معتقد به انقلاب با سلیق مختلف سیاسی و اجتماعی را برای نظام لازم و مفید می دانم. همچنین ارتباطاتی را که با مجمع روحانیون داشته اند یادآوری کردند و اینکه از ابتدای رهبری شان به مجمع روحانیون کمک مالی می کرده اند.

* پرسش: جمع بندی شما از این بخش چیست؟

خلاصه بیانشان این بود که از ناحیه رهبری این مراقبت وجود داشته است و بنا، بر این نبوده و نیست و در عمل هم این گونه نشده که رهبری چتر حمایتی اش را نسبت به جریان های در خط انقلاب و مردم پوشش ندهد. صحبت شان این بود که از ناحیه ما دعوت و تلاش بوده اگر یک عده خودشان فاصله می گیرند از حوزه رهبری، دیگر برعهده ما نیست. نکته دیگر این بود که تأکید داشتند چه در دوران امام و چه در دوران پس از امام، رویکرد و عملکرد رهبری به هیچ وجه مبنی بر جراحی و حذف افراد و گروه ها نبوده و نخواهد بود. منتهی همه در معرض امتحان قرار داشته و دارند. متأسفانه عده ای در دوره امام و جمعی هم در دوره پس از امام با مواضع و عملکردشان، خودشان را از صف انقلاب جدا کردند و دچار ریزش شدند.

* پرسش: در مورد برخوردهای حذفی دیگران چه موضعی داشتند؟

ایشان برخوردهای غیرمنطقی و بعضاً توهین آمیزی که از ناحیه نیروهای غیررسمی و به هر عنوان و بهانه ای انجام می شد را نامرتب با رهبری دانستند و صراحتاً آنها را نفی و مخالفت خود را بیان کردند. حتی وقتی یکی از دوستان گفتند که این رفتارهای نادرست دارد به جریان روشنفکری حوزوی آسیب می زند، آقا ضمن بیان این که من هر حمایتی را برای تحول در حوزه انجام می دهم به صراحت فرمودند: من اجازه نمی دهم جریان روشنفکری در حوزه آسیب ببیند و یا منزوی شود و هر اقدامی که لازم باشد برای تقویت شما انجام می دهم.

* پرسش: درباره درگیری های خیابانی و یا حوادثی مثل کهریزک چه گفتند؟

اولاً، حوادثی مثل کوی سبحان و کهریزک و... را تأسف بار و غیرقابل دفاع دانستند و مثلاً راجع به کهریزک به پیگیری هائی که خودشان کرده بودند و دستوراتی که داده بودند اشاره کردند. ثانیاً، بیان کردند وقتی در کف خیابان دارد حوادثی اتفاق می افتد، همه نمی توانند در لحظه برای بهترین نوعی که می شود عمل کرد، تصمیم بگیرند. خطاها و اشتباه های هم وجود دارد. آنچه نیست که کارهائی که شده قابل دفاع باشد. از سوی دیگر اشاره به این مطلب هم کردند که حضرت امام خیلی از مواقع نسبت به شکایت از عملکرد مسئولان می فرمودند که اداره کردن خیلی سخت است. یعنی کسی که در متن واقعه دارد کار می کند، کار خیلی دشوار است. نمی شود کاری بدون نقص درآورد مخصوصاً وقتی که رقیبی دارد خیلی فعال عمل می کند. افزوده ای که ایشان بر تحلیل دوستان داشتند این بود که آنچه در متن حوادث داشت اتفاق می افتاد فقط بازیگران آشکار نبودند که این حوادث را رقم می زدند بلکه مرکزی به عنوان سازماندهی وجود داشت که در مقابل چارچوب های جمهوری اسلامی و نظام فعالانه عمل می کرد؛ یعنی در صحنه ای که رقیب معاند با نظام اسلامی به صورت سازمان یافته دارد هوشمندانه بحران سازی می کند، مدیریت بحران هیچ موقع خالی از خطا نیست و باید به صورت جامع همه جوانب دیده بشود و به تناسب آن با خطاها و کاستی ها برخورد شود.

* ظاهراً عده ای توقع شان قبل از انتخابات سال ۱۳۸۸ این بود که آقا از یک فرد دیگر به عنوان کاندیدا که به لحاظ گفتمانی محاسن رئیس جمهور را می داشت و به لحاظ عملکردی معایب وی را نمی داشت حمایت می کردند تا رئیس جمهور شود.

در جلسه هم یکی از دوستان این مسئله را مطرح کرد که اگر از قبل روی یک فردی به عنوان کاندیدا کار می شد که متوازن تر حرکت بکند و تشنج آفرینی نکند کار به اینجا کشیده نمی شد.

* پاسخ آقا چه بود؟

اولاً، گفتند خب این کار را باید شماها می کردید، چرا نکردید؟

ثانیاً، گفتند اما اینکه توقع داشته باشید رهبری این کار را بکند، من هرگز این کار را نمی‌کنم. مقصودشان این بود که هیچگاه رهبری تلاش نمی‌کند تا از قبل یک مهندسی‌ای نسبت به انتخابات بشود.

* مهندسی انتخابات در یک مشارکت حداقلی، امکان‌پذیرتر است تا مشارکت حداکثری رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیاناتشان که استدلال می‌کردند رویکرد و رویه‌شان تغییری نکرده بر این مطلب تأکید داشتند که من (رهبری) نه تنها در این انتخابات بلکه در گذشته هم معتقد و مُصر بر مشارکت حداکثری مردم در امور از جمله مشارکت حداکثری در انتخابات بودم. ایشان استناد کردند به اختلاف دیدگاهی که بر سر این قبیل موارد با برخی از آقایان داشته‌اند و در جلسات متعدد روی آن بحث کرده‌اند. برای مثال اشاره کردند ظاهراً به دوره دوم انتخاب آقای خاتمی و گفتند: من مثل سابق، اعتقادم این بود که باید مشارکت بالا باشد و بر آن اصرار داشتم. اما برخی از آقایان همیشه با آن مخالف بودند و معتقد بودند که لازم نیست مشارکت مردم در انتخابات بالا باشد؛ اگر ده دوازده میلیون هم شرکت کنند رئیس‌جمهور مورد نظر ما انتخاب می‌شود.